

ویژه نامه

حقیقت



سه گانه ای از

معرفی و نقد فیلم:



شماره ۱۰

موقعیت مهدی

غریب

نشریه دانشجویی تحریر

بسیج دانشجویی پردیس شهید باهنر اصفهان

خرداد ۱۴۰۲



راوی حقیقت و حامی عدالت

تحریر

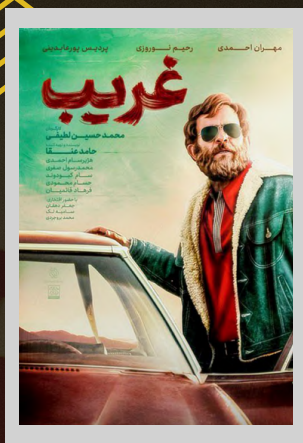


شهید محمد جهان آرا

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۷/۷ بر اثر سقوط هواپیما

فرزای از وصیت نامه شهید محمد جهان آرا:
من برای کسی و صیتی ندارم ولی یک مشیت درد و رنج دارم که بر این صفحه کاغذ می
خواهم همچون تیری بر قلب سیاه دلانی که این آزادی را حس نکرده اند و بر سر اموال
این دنیا ملتی را، امتی را و جهانی را به نیستی و نابودی می کشانند، فرو آورم... ای امام!
من به عنوان کسی که شاید کربلای حسینی را در کربلای خرمشهر دیده ام سخنی با تو
دارم که از اعماق جانم و از پر پر شدن جوانان خرمشهری برمی خیزد و آن، این است: ای
امام! از روزی که جنگ آغاز شد تا لحظه ای که خرمشهر سقوط کرد من یک ماه به طور
مداوم کربلا را می دیدم هر روز که حمله دشمن بر برادران سخت می شد و فریاد آنها
بی سیم را از کار می انداخت و هیچ راه نجاتی نبود به اتاقم می رفتم، گریه را آغاز می
کردم و فریاد می زدم ای رب العالمین بر ما مپسند ذلت و خواری را.

فهرست



شماره ۱۰

موقعیت مهدی

غریب

شماره ۱۰؛ داستان یک فرار موفق

موقعیت مهدی؛ مهدی تنها تر از همیشه

غریب؛ داستان مسیح کردستان

شناسنامه اثر:

شماره ۱۰ فیلمی به کارگردانی و نویسندگی حمید زرگرنژاد و تهیه‌کنندگی ابراهیم اصغری که در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد.

بازیگران:

مجید صالحی، حسام منظور، سیامک صفری، مهدی زمین پرداز، بهرنگ علوی، صحرا اسداللهی، احمد کاوری

جوایز:

برنده جایزه سیمرغ بلورین بهترین طراحی صحنه، بهترین چهره پردازی، بهترین موسیقی متن و بهترین نقش اول مرد جشنواره فجر ۴۱

Number
Ten

نویسنده و کارگردان
حمید زرگرنژاد

تهیه کننده
ابراهیم اصغری

شماره ۱۰؛ داستان یک فرار موفق



شماره ۱۰، فیلمی در ژانر جنگی و دفاع مقدس و ساخته حمید زرگرنژاد؛ فیلمسازی که توانسته جلوه های زیبایی از دوران دفاع مقدس را به نمایش مخاطبان سینما درآورد، و فیلم ماهورا اولین فیلم بلند او در حوزه دفاع مقدس است که در جشنواره فجر ۳۶ حضور داشت، این فیلم تنها فرار موفق اسیر ایرانی را از زندان های رژیم بعث روایت می کند زندانی به نام محمد عبدی که در حال حاضر تکنسین اتاق عمل است و در زمان اسارت خود توانست ساختارهای امنیتی زندان رژیم بعثی را شکسته و فرار کند، آن زمان صدام ۴۰ میلیون دینار برای سر شخصیت واقعی فیلم جایزه گذاشته بود. نقش این شخصیت را مجید صالحی به خوبی ایفای نقش کرد، بازیگری که آن را با فیلم و سریال هایی در ژانر کمدی می شناسیم و حالا در این کاراکتر متفاوت به ایفای نقش پرداخته است. بازیگر نقش دوم این فیلم حسام منظور، شخصیتی را با نام احمد بر عهده دارد؛ بازیگری که با نقش آفرینی در سریال های بانوی عمارت، برادر جان، و نجلا خود را به سینمای ایران معرفی کرد. صالحی و منظور چرخاننده های اصلی این فیلم هستند و فیلم حول محور این دو شخصیت پیش می رود.



از آنجا که شماره ۱۰ را یک فیلم در حوزه دفاع مقدس معرفی شده است، اما برخی از منتقدان و کارشناس براین نظر هستند که تکلیف فیلم شماره ۱۰ در ژانر جنگی یا دفاع مقدسی بودن آن مشخص و واضح نیست و این فیلم را بیشتر یک اثر با مضمون و ژانر جنگی می دانند تا دفاع مقدس. چرا که سکانس هایی که در طول فیلم به کار برده شده است حول محوری یک قهرمان است، و جز در یک سکانس کوتاه مکالمه حین دعا و زیارت خوانی رد آثار دیگری از مفهوم های مورد توجه و تاکید در حوزه دفاع مقدس دیده نمی شود.

قصه فیلم همانند سایر فیلم های اسارت جنگی برپایه موضوع فرار در جریان است موضوعی که از جذاب ترین مضمون سینمایی در جهان و پر مخاطب در این حوزه است و مشابه های خارجی با کیفیت افزون ساخته شده است. می توانیم بگوییم شماره ۱۰ اولین فیلم ایرانی با مضمون فرار بوده و به همین خاطر در باور پذیری و پرداخت فیلم توسط مخاطب امکان عدم تطابق وجود دارد، اما در پایان فیلم روایت واقعی از محمد عبدی شخصیت واقعی فیلم به نمایش گذاشته می شود که این عدم باورپذیری را برای مخاطبان برطرف می کند و از این روایت پایان فیلم مشخص است که کارگردان هم به این موضوع نیم نگاهی داشته است.

انتخاب مجید صالحی به عنوان بازیگر شخصیت اصلی فیلم ریسکی بود که کارگردان و تهیه کننده به جان خریدند، می توان گفت پذیرفتن این ریسک بزرگ پایان کار مثبت و رضایت بخشی را در شماره ۱۰ به مخاطبان ارائه داد، و به گفته ی تهیه کننده فیلم، مجید صالحی در برخی از سکانس های فیلم، بدلکاری جلوه های ویژه را خودش انجام داده است و این مورد به واقعی و زنده تر شدن فیلم کمک کرده است.

یکی از بخش های منفی فیلم، مدت زمانی است که مخاطب برای شناخت مفهوم، ساختار اولیه و شناخت کاراکترهای فیلم صرف می کند و حدود نیم ساعت اول فیلم مخاطب در حال درگیری و شناسایی محتوا و کاراکترها می باشد و این موضوع ممکن است مخاطب را از ادامه راه زده کند اما این نقص با موسیقی متن جذاب و هیجان انگیز فیلم تکمیل شده است که چاشنی اضطراب و حس کنجکاوی مخاطب را برای دنبال کردن ادامه فیلم فعال می کند که همین امتیاز مثبت جایزه بهترین موسیقی متن فیلم را از آن خود کرد.



یکی دیگر از بخش‌های جذاب فیلم، طراحی صحنه، گریم و طراحی لباس ویژه و ظریف است، که به خوبی در این فیلم کار شدند، به طوری که می‌توان حدوداً این اثر را در حوزه طراحی صحنه، گریم و لباس در مقابل فیلم‌های مشابه خارجی قیاس کرد و هم عرض با آنها ارزشیابی و داوری انجام بگیرد، و این نوید بخش پیدایش جلوه‌ای جدید از سینمای ایران است که به طور حتم جای رشد و پیشرفت بیشتری در این حوزه بایستی صورت بگیرد. در پایان می‌توانیم بگوییم ساختن همچنین آثاری از قهرمانان ملی از نیازهای اساسی برای انتقال فرهنگ‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران به نسل جدید خواهد بود و این مسیر باید با قدرت و اهمیت بیشتری توسط فعالان حوزه فیلمسازی و مستندسازی متداوم باشد، و اگر این حرکت صورت نگیرد نسل آینده تصویری از قهرمانان واقعی کشور خود نخواهند داشت و دچار بحران فرهنگی خواهیم شد بحرانی که هم اکنون در ابتدای آن قرار داریم.



مرکز خبر مشرتا سامرا (بخش اول)

از نگاه شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی حماسه فتح خرمشهر دارای ۴ ویژگی منحصر به فرد است و هرگز این ویژگی‌ها نباید از خاطره‌ها فراموش شود.



اولین ویژگی این حماسه ویژگی زمانی است؛ به این معنی که همه رزمندگان این عملیات‌ها هر کدام به عملیات‌های دیگر منتقل می‌شدند. دومین ویژگی طراحی جامع بود اینگونه که اولاً همه دشمن در این حماسه درگیر نگه داشته شد. لذا، در این طراحی به گونه‌ای با دقت عمل شده بود که بین نیروهای شمال دشمن و نیروهای جنوب دشمن یک شکاف اساسی رخ داد.

شناسنامه اثر:

موقعیت مهدی فیلمی ایرانی محصول سال ۱۴۰۰ به نویسندگی و کارگردانی هادی حجازی‌فر و تهیه‌کنندگی حبیب‌الله والی‌نژاد است. بازیگران این فیلم هادی حجازی‌فر، ژیلآ شاهی، وحید حجازی‌فر، معصومه ربانی‌نیا، وحید آقاپور، پدram ولایتی مقدم و روح‌الله زمانی هستند. این فیلم بر اساس بخش‌هایی از زندگی مهدی باکری ساخته شده است.

موقعیت مهدی نخستین بار در ۱۸ بهمن ۱۴۰۰ در چهلمین جشنواره فیلم فجر و در بخش سودای سیمرغ به نمایش درآمد. این فیلم در این مراسم از ۱۴ نامزدی برنده پنج جایزه از جمله سیمرغ بلورین بهترین فیلم شد.

The Situation of Mehdi

تهیه‌کننده
حبیب‌الله والی‌نژاد

کارگردان
هادی حجازی‌فر

موقعیت مهدی ؛ مهدی تنها تر از همیشه



منیب ✍

مهدی بعد از حمید تنها تر از همیشه است. حتی با وجود صفیه و عشقی که به او دارد. همه چیز به اندازه است حتی این تنهایی. احساس سنگین بار مسئولیت و اختلاف نظرش در فرماندهی شاخصه های شخصیتی است که فیلمساز تعمداً آن ها را پررنگ کرده است. آقا مهدی به درستی و با ظرافت، تصویر و روایت شده است. از پرده اول تا پرده ی آخر ضرب آهنگ پرکشش فیلم گاهی افت می کند اما قابل قبول است. شتابزدگی وجود ندارد. جزئیات در شخصیت پردازی و روایت محتوا در قالب فرم به دل می نشیند. از حجب و حیا ی مهدی تا مهریه ی همسرش. از گریم به اندازه حجازی فر تا فالوده ی لب کارون. اما گاهی از دست کارگردان خارج شده است. مانند بازیگر احمد کاظمی و لهجه اش.

تحت نظر

اینکه فرمانده همان شب اول عقد باید در میدان باشد، یعنی با اثری طرف هستیم که می خواهد روایتی حقیقی از یک جنگ متفاوت ارائه دهد. نبردی که شبیه هیچ جنگ دیگری نبود. لحظه های فیلم با موسیقی متفاوتش رنگ می گیرد. شیرینی زبان آذری اثر اما عیار کار را بالا برده است. موقعیت مهدی دقیقاً یعنی تنهایی مهدی. همان مهدی شهردار ارومیه و بعدتر فرمانده سپاه عاشورا که همزمانش، عشق او را در دل داشتند و با حرفهایش اشک می ریختند. همان باکری که جنازه ی برادرش را رها کرد تا فرقی میان او و همزمانش نگذارد. به هر چیز، به همان اندازه پرداخته می شود که باید. افراط و تفریطی نیست.



از روایت آقا مهدی میدان جنگ گرفته تا مهدی خانواده. به راستی مهدی باکری در فیلم حجازی فرجان گرفته است. بازی خاص بازیگر نقش اول که کارگردان نیز هست در این فیلم به اوج خود رسیده است. دلبستگی فیلمساز به شخصیت اصلی در تمام خط داستان موج می‌زند. در هر شش پرده آدم‌هایی را می‌بینیم که قصه‌های کوچک و بزرگ‌شان، برای ما آشناست. قهرمان‌های دور و نزدیک که هنوز هم در میان ما هستند. فیلم در پرده‌ی «من مهدی باکری نیستم!» قاب‌های ماندگاری ساخته و بسیاری از تصاویر و شخصیت‌پردازی‌ها تا حد زیادی عارفانه و عاشقانه است. «موقعیت مهدی» در انتقال حس یک شاهکار سینمایی است. و رای تصویری است که ما از آثار تکراری دفاع مقدس داریم. حال به نظر می‌رسد سینمای جنگ با آثار این چینی به سمت و سوی دیگری می‌رود. ضعف در شخصیت‌پردازی‌ها کم‌رنگ شده و پرداختن به زندگی قهرمانانی چون مهدی باکری، رسالتی درست برای سینمای امروز ایران است.

تجسس



از خرمشهر تا سامرا (بخش دوم)

از نگاه شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی حماسه فتح خرمشهر دارای ۴ ویژگی منحصر به فرد است و هرگز این ویژگی‌ها نباید از خاطره‌ها فراموش شود.



سومین ویژگی و نکته مهم دیگر درباره خرمشهر، تاثیر روانی سیاسی و نظامی فتح خرمشهر در اندیشه تجاوز کارانه دشمن بود. این فتح به عنوان شکست واقعی دشمن تلقی شد. صدام مدعی بود اگر ایرانی‌ها بتوانند خرمشهر را تصرف کنند کلید بصره را به آنها خواهیم داد. چهارمین ویژگی را باید در تاثیر روانی فتح خرمشهر آنقدر بالا بود که دشمن بلافاصله از همه جبهه‌های دیگر عقب‌نشینی کرد. و صحنه بزرگ و یادگار ماندنی دیدنی و تاریخی را که جزو بهترین ورق‌های جنگ است را به نمایش گذاشت.

یان

مهران احمدی

رحیم نوروزی

پردیس پورعابدینی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

غریب

کارگردان

محمد حسین لطیفی

نویسنده و تهیه کننده

حامد عنقا

هزیرسام احمدی

محمد رسول صفری

سام کیودوند

حسام محمودی

فرهاد قائمیان

با حضور افتخاری:

جعفر دهقان

سامیه لک

محمد بروجردی



شناسنامه اثر:

● غریب یک فیلم ایرانی به کارگردانی محمدحسین لطیفی و به نویسندگی و تهیه کنندگی حامد عنقا محصول سال ۱۴۰۱ است. این فیلم دربارهٔ محمد بروجردی است که نقش او توسط بابک حمیدیان ایفا شده است. این فیلم نخستین بار در چهل و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر و سپس در هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت به اکران درآمد. سرمایه گذار این فیلم سازمان هنری رسانه‌ای اوج است.

● تاریخ‌های انتشار: بهمن ۱۴۰۱ (فجر)
۲۴ اسفند ۱۴۰۱ / ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ (اکران آنلاین)
کارگردان: محمدحسین لطیفی

تهیه کننده: حامد عنقا/ نویسنده: حامد عنقا

بازیگران: بابک حمیدیان/ پردیس پورعابدینی / رحیم نوروزی/
حسام محمودی/ مهران احمدی/ فرهاد قائمیان

غریب؛ داستان مسیح کردستان

✍️ الهه خادم حضرتی



غریب» درباره یکی از مناقشه‌برانگیزترین دوران تاریخ معاصر ایران ساخته شده است. در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی کردستان تبدیل به یکی از ناامن‌ترین مناطق ایران شد. فعالیت گروه‌های سیاسی چپ‌گرا در کردستان که خیلی زود وارد فاز مسلحانه شد، باعث شد تا حکومت نوپای جمهوری اسلامی هم به مقابله برخیزد و نیروهای خود را برای بازگرداندن امنیت و به دست گرفتن شهرهای کردستان به این استان اعزام کند. یکی از چهره‌های مشهور این مبارزات شهید محمد بروجردی (ملقب به مسیح کردستان) بود. شهید محمد بروجردی زندگی پرماجرایی داشت و اگر روزی کارگردانی بخواهد می‌تواند از زندگی این شهید بزرگوار یک سریال پرکشش و جذاب هم بسازد.

تحت نظر



شهید بروجردی:

شهید محمد بروجردی از دو جهت جایگاه ممتاز و والایی در میان شهدای انقلاب اسلامی دارد. اول از جهت مبارزاتی که در سال‌های پیش از انقلاب انجام داده است و دوم از جهت پست‌های حساسی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در اوج جوانی به عهده گرفته است. شهید بروجردی یکی از ۱۲ نفری بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پایه‌گذاری کردند. بعد از ورود آیت‌الله خمینی به ایران و با دستور مستقیم آیت‌الله بهشتی شهید بروجردی در کنار محسن رضایی مسئولیت تیم حفاظت از رهبر انقلاب را بر عهده داشت.



شهید بروجردی که در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در لبنان و زیر نظر شهید مصطفی چمران آموزش‌های چریکی دیده و در سال‌های پیش از انقلاب چند عملیات حساس نظامی هم علیه رژیم پهلوی انجام داده بود خیلی زود در نهادهای مختلف، خصوصاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌های مهم و حساسی شد. شهید بروجردی برای مدت کوتاهی ریاست زندان اوین را به عهده گرفت و بعد با دستور رهبر انقلاب به عنوان یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کردستان رفت و در آرام کردن ناآرامی‌های این استان نقش برجسته‌ای ایفا و گروه پیشمرگان کرد در این استان را بنیان‌گذاری کرد. مدتی هم به عنوان فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا در ارومیه خدمت کرد. سرانجام در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۶۲ بعد از این که ماشینش مورد اصابت گلوله قرار گرفت و روی زمین رفت به شهادت رسید. شهید بروجردی به خاطر خدمات زیادی که در کردستان انجام داد و ظاهر متفاوتی که داشت مسیح کردستان لقب گرفت.

داستان غریب:

غریب داستان حضور شهید محمد بروجردی در کردستان و پایان دادن به ناآرامی‌های این استان را روایت می‌کند. نویسنده و کارگردان فیلم به خوبی متوجه شده‌اند برای ساخت یک فیلم دو ساعته لازم نیست کل زندگی شهید بروجردی را به تصویر بکشند. پس هوشمندانه تصمیم گرفته‌اند آن بخش از زندگی این شهید را برجسته کنند که هم قابلیت دراماتیک بالایی دارد و هم بیانگر تمام ویژگی‌های شخصیتی او است. مانند چ ابراهیم حاتمی‌کیا، لطیفی و عنقا هم روی حساس‌ترین مقطع زندگی شهید بروجردی یعنی حضور در کردستان تمرکز کرده‌اند. کسانی که مطالعه گسترده‌ای در زمینه تاریخ معاصر ایران داشته‌اند می‌دانند که در آن مقطع حساس تاریخی کردستان چه وضعیت پیچیده‌ای داشت و حتی بیم آن می‌رفت که این استان از خاک ایران جدا شود.

به همین خاطر است که شهید بروجردی تنها نمی‌توانست با تکیه بر تاکتیک‌های نظامی اوضاع شهر را آرام کند و نیاز بود که در چند جبهه بجنگد و علاوه بر مقابله نظامی با بمباران روانی و رسانه‌ای گروه‌های معاند هم مقابله کند. دراماتیک کردن اوضاع پیچیده آن دوران کار بسیار سختی است. به همین خاطر حامد عنقا به عنوان نویسنده‌ای با تجربه کوشیده با استفاده از یک تکنیک کلاسیک داستانی و ساخت یک بدمن قدرتمند که قادر است هر کاری را انجام دهد و به اندازه شهید بروجردی باهوش است سختی کار نیروهای سپاه پاسداران را نشان دهد. استفاده از این تکنیک کمک می‌کند که تماشاگر گیج نشود و در میان هیاهوی صحنه‌ها و وقایع پرشماری که فیلم قصد دارد آن‌ها را نمایش دهد سرنخ اصلی داستان را گم نکند. عنقا برای غافلگیر کردن تماشاگر از تمهیدات دیگری هم استفاده کرده و آن استفاده از روایت غیرخطی و فلاش‌بک‌های متعدد برای روایت داستان است.



فیلم از انتهای ماجرای شهید بروجردی آغاز می‌کند و با یک فلاش‌بک به گذشته باز می‌گردد تا داستان حوادث کردستان را روایت کند. این روابط غیر خطی باعث شده تعلیق فیلم حفظ شود و تماشاگر با هیجان منتظر بماند تا ببیند قرار است چه اتفاقی برای شهید بروجردی بی‌افتد. عنقا که در آثار قبلی هم که نوشته نشان داده بلد است از عناصر ملودراماتیک برای پیش برد داستان استفاده کند در فیلم غریب هم از بستر ملودرام برای روایت داستان این مقطع حساس تاریخی استفاده کرده است. فیلم پر است از صحنه‌هایی که با نگاه به عناصر ملودراماتیک نوشته و اجرا شده‌اند. این صحنه‌ها شاید چندان یک دست نباشند و برخی از آن‌ها به لحاظ دراماتیک و بصری کیفیت لازم را نداشته باشند اما در نهایت به هدف خود که تاثیرگذاری بر روی تماشاگران است می‌رسند.

شیوه داستانی فیلم:

حامد عنقا ابایی ندارد صحنه‌هایی که می‌نویسد شعاری باشد. اصلاً فیلم غریب بخشی از انرژی و شور خود را از شعارهایی می‌گیرد که توسط نویسندگان سکانس‌های مختلف فیلم استفاده شده است. اما مشکل این جا است نحوه بیان این شعارها در تمام طول فیلم یک دست نیست. البته که این شعارها با تکیه بر تحریک عواطف تماشاگران تاثیرگذار از کار درآمده‌اند اما بهتر بود که در نحوه بیان این شعارها هم دقت کافی صورت می‌گرفت تا سکانس‌های مختلف فیلم کیفیت یکسانی داشته باشند. به طور کلی باید به این نکته اذعان کرد که «غریب» بهترین فیلمنامه‌ای است که حامد عنقا تا به امروز نوشته است. فیلمنامه‌ای سرشار از جزئیات که از عناصر ملودراماتیک به خوبی برای پیش برد داستان خود بهره می‌برد.



تحت

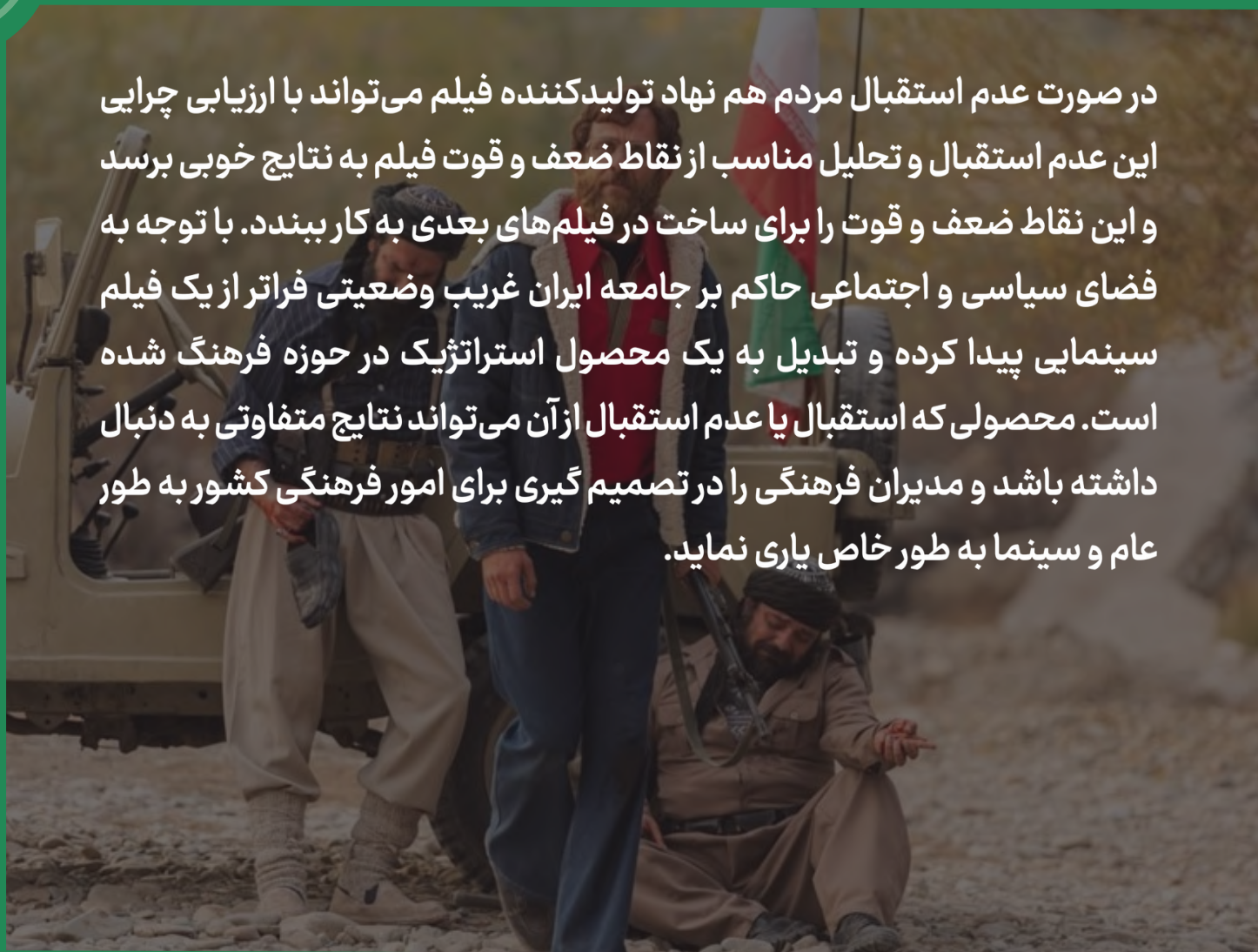
محمد حسین لطیفی را بیشتر با سریال‌هایی که ساخته است به خاطر می‌آوریم. سریال‌هایی در گونه‌ها و ژانرهای مختلف که اکثراً با استقبال تماشاگران مواجه شده‌اند. لطیفی کارش را در سینما با فیلم سرعت آغاز کرد که برای اولین بار به سراغ مسابقات اتومبیل رانی رفته بود و داستانی درباره بچه‌های جبهه و جنگ را در قالبی تازه تعریف می‌کرد. بعد از ساخت سرعت لطیفی سراغ تلویزیون رفت و با ساخت سریال کت جادویی توانست یکی از جذاب‌ترین و موفق‌ترین سریال‌های دهه هفتاد شمسی تلویزیون را بسازد. لطیفی مدام بین سینما و تلویزیون در رفت و آمده بوده است. هم سریال‌های پرطرفداری ساخته که تماشاگران زیادی را پای تلویزیون نشانده است. هم فیلم‌های پرفروشی ساخته که تماشاگران زیادی را به سالن‌های سینما کشانده است.

برخلاف جریان غالب در سینمای امروز ایران که به سمت یک مینی‌مالیسم در کارگردانی پیش می‌رود لطیفی «غریب» را به سبک کارگردانان کلاسیک هالیوودی کارگردانی کرده است و کوشیده از دل تکی تکی سکانس‌های این فلم بیشترین احساس را بیرون بکشد. به همین خاطر این فیلم هر اشکالی داشته باشد از اجرای خوبی برخوردار است و برخی سکانس‌های آن مانند سکانس‌های درگیری شهری با نیروهای معاند انقدر خوب از کار درآمده است. اجرایی که جزئیات در آن حرف اول را می‌زند و کارگردان با تکیه بر همین جزئیات است که موفق شده اجرای متفاوتی از سکانس‌های اکشن فیلم داشته باشد. سکانس‌هایی سخت و پُر زحمت که مشخص است ساخت آن با دشواری‌های زیادی همراه بوده است. فیلم غریب قطعاً برای لطیفی در مقام کارگردان گامی به پیش محسوب می‌شود و نشان می‌دهد این کارگردان توانایی ساخت هر فیلمی در هر ژانری را دارد.



«غریب» فیلم مهمی برای سازندگان و نهاد سفارش دهنده آن است. میزان استقبال تماشاگران که در ایام عید و تعطیلات نوروز ترجیح می‌دهند به تماشای کمدی‌های سرگرم کننده بنشینند می‌تواند راه را برای تولیدکنندگان غریب مشخص کند. اگر استقبال از این فیلم خوب باشد و تماشاگران به تماشای فیلم بروند سازمان اوج می‌تواند با خیال راحت و تحلیل مناسب‌تری به استقبال ساخت فیلم براساس زندگی سایر شهدای دفاع مقدس برود و زندگی سرداران مشهور جنگ تحمیلی مانند محمدابراهیم همت و محمد جهان آرا را هم به فیلم تبدیل کند.

در صورت عدم استقبال مردم هم نهاد تولیدکننده فیلم می‌تواند با ارزیابی چرایی این عدم استقبال و تحلیل مناسب از نقاط ضعف و قوت فیلم به نتایج خوبی برسد و این نقاط ضعف و قوت را برای ساخت در فیلم‌های بعدی به کار ببندد. با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران غریب وضعیتی فراتر از یک فیلم سینمایی پیدا کرده و تبدیل به یک محصول استراتژیک در حوزه فرهنگ شده است. محصولی که استقبال یا عدم استقبال از آن می‌تواند نتایج متفاوتی به دنبال داشته باشد و مدیران فرهنگی را در تصمیم‌گیری برای امور فرهنگی کشور به طور عام و سینما به طور خاص یاری نماید.

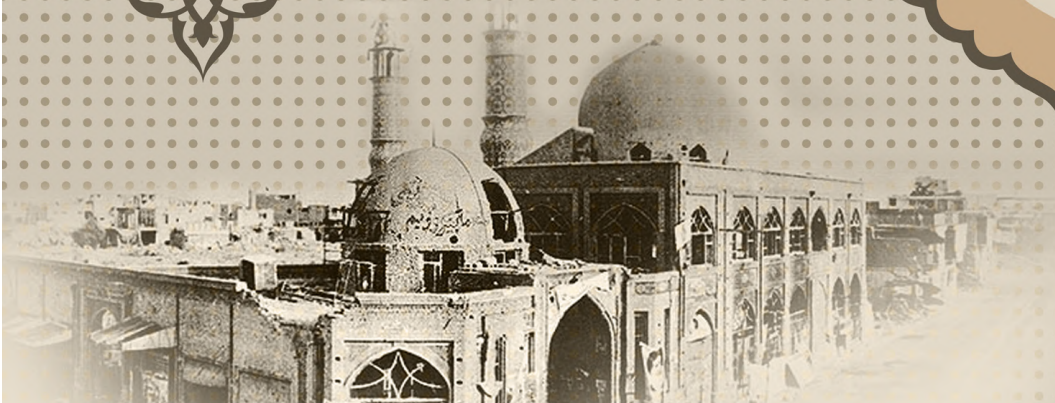




روز سوّم خرداد، از روزهای فراموش ناشدنی است؛ از روزهایی است که در تاریخ کشور ما و در تاریخ انقلاب اسلامی عزیز ایران، این روز می درخشد. نماد است؛ نماد پیروزی حق بر باطل و نماد قدرت الهی و دست قدرتی که امام بزرگوار فرمودند: دست قدرتی دارد ما را حمایت میکند. چنین روزی است روز سوّم خرداد و روز آزادی خرمشهر.



۱۳۹۵/۳/۳



تلفاز

کلیات